

تحلیلی بر نقش محمدبن عثمان در سامان دهی شیعیان امامی در غیبت صغرا

مجید احمدی کچایی^۱

چکیده

«محمدبن عثمان» دومین وکیل و از ارکان وکلای چهارگانه در غیبت صغرا و واسطه میان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شیعیان در این دوره بوده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که محمدبن عثمان در مواجهه با مشکلات امامیه در غیبت صغرا چه اندازه و چگونه اثر گذار بوده است؛ دورانی که امامیه از طرفی نخستین بار با بحران دوره غیبت امام خود و از سوی دیگر، با انواع مشکلات اجتماعی مواجهه بوده؛ به طوری که از هر سو کیان امامیه مورد تهاجم بوده است. مقاله پیش رو با روش کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های تاریخی به بررسی زندگی محمدبن عثمان در این دوره توجه دارد و این مهم تبیین شده است که محمدبن عثمان با ارتباط مستمر با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رفتاری متناسب با شئون مختلف امامیه داشته که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن در زمینه سازمان وکالت بوده است. وی در گرفتن نامه‌ها و وجوهات شرعی از شیعیان و رساندن آن‌ها به امام و هزینه کرد آن به دستور امام و برخورد با مدعیان وکالت و برخی از وکلای متمرکز نقش ویژه‌ای داشته است.

واژگان کلیدی: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدبن عثمان، وکیل، امامیه، غیبت صغرا.

مقدمه

این مقاله به بررسی نقش و چگونگی اثرگذاری محمدبن عثمان در غیبت صغرا پرداخته است. در این دوره حساس، امام شیعیان به غیبت رفت و امامیه با بحران در رأس امور، یعنی بحران رهبری مواجهه شد. شیعیان افزون بر آن، بحران در درون نهاد وکالت را در قالب مدعیان وکالت و کیلان دروغین تجربه کردند. در بیرون نیز با موجی جدید و گسترده از شبهات رقیبان امامیه مواجهه بودند. در این میان، محمدبن عثمان با فرمان پذیری از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نماینده شایسته‌ای به عنوان حلقه واسط میان امام و پیروان ایشان بود؛ به طوری که از میانه غیبت صغرا که با دوران وکالت محمدبن عثمان همزمان بود، به میزان فراوانی باورپذیری امامیان نسبت به پدیده غیبت حاصل شده بود.

در میان منابع غیبت صغرا، کتاب «کافی» نخستین منبعی است که به نام و رخدادهایی از محمدبن عثمان اشاره داشته است. کلینی روایتی از امام عسکری علیه السلام عنوان کرده است که امام به وثاقت محمدبن عثمان و پدرش تأکید داشته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۰). همچنین کلینی در سلسله سند روایتی که شیخ طوسی (۴۶۰ق) در کتاب الغیبه نقل کرده؛ قرار گرفته است. بر اساس این روایت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی وثاقت وکیل اول و دوم را تأیید کرده؛ با این حال، این روایت را در کافی نقل نکرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۲).

طوسی به نقل از اسکافی چنین گزارش کرده است: محمدبن عثمان (۳۰۵ق)، ما را که از بزرگان و مشایخ بودیم جمع کرد و گفت: هرگاه حادثه مرگ به من رو آورد، امر وکالت به حسین بن روح واگذارمی‌شود (همان، ص ۳۷۱). با آغاز غیبت کبرا، منابع پیر شمار شیعی به محمدبن عثمان توجه داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این منابع از احمدبن علی بن نوح نقل شده است. وی گزارش‌های مرتبط با وکیلان را در کتاب مفقود شده‌اش _ اخبار الوکلاء الاربعه _ نقل کرده است که به واسطه شیخ طوسی (۴۶۰ق) در کتاب الغیبه بازتاب داشته است. طوسی همه اخبار وکلای چهارگانه را از طریق وی در بخش ششم کتاب خود آورده است (همان، ص ۵۹۹). پیش از این نیز شیخ صدوق (۳۸۱ق) در کتاب کمال الدین به چگونگی ارتباط محمدبن عثمان با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه کرده بود (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۴۰). بعدها مجلسی نیز این دست از گزارش‌های نخستین را در جلد پنجاهم کتاب بحارالانوار جمع آوری کرده است.



در پیشینه تحقیق می‌توان به این دسته از آثار اشاره داشت: اثر محمدرضا جباری «سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه» (جباری، ۱۳۸۲). این کتاب با رویکردی تاریخی نگاشته شده و در آن، به چگونگی شکل‌گیری نهاد وکالت و کارکرد آن و همچنین به سرانجام آن پرداخته شده است. نگارنده در کتاب مذکور، به وکلای اربعه از جمله محمدبن عثمان نیز توجه داشته است. اثر دیگر کتاب جاسم حسین «تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم» (حسین، ۱۳۶۷) می‌باشد. این اثر گرچه توانسته است به صورت روشمند به پدیده غیبت صغرا، به خصوص زندگی وکلای اربعه بپردازد؛ تا اندازه قابل توجهی به فعالیت‌های امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام معطوف کرده و با آن که در مورد وکلای اربعه مطالب درخوری ذکر شده؛ به نقش و میزان اثرگذاری وکیلان چهارگانه، از جمله محمدبن عثمان کم‌تر پرداخته است. همچنین اثر دیگر کتاب علی غفارزاده «زندگانی نواب امام زمان» (غفارزاده، ۱۳۷۵) می‌باشد. این کتاب به کلیات زندگی هر چهار وکیل پرداخته است؛ در عین حال از کاستی‌های کتاب مذکور، می‌توان به تمثیل اندک از مباحث مورد نظر اشاره کرد. همچنین سیدمحمد صدر در بخش‌هایی از کتاب «موسوعة الامام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام» (صدر، ۱۳۸۷)، به زندگی محمدبن عثمان توجه نشان داده است. وی با طرح عناوینی همچون تاریخ عمومی دوران غیبت صغرا، در این دوران، به زندگی وکلای چهارگانه از جمله محمدبن عثمان العمری و فعالیت‌های آن‌ها پرداخته است.

بیش‌تر آثار نگاشته شده در مورد زندگی محمدبن عثمان، تنها به بخش‌هایی از زندگی وی توجه داشته‌اند و با آن که گزارش‌ها و تحلیل‌های ارزشمندی ارائه کرده‌اند، به نقش محمدبن عثمان در چگونگی احیای تشیع امامی توجه نداشته‌اند. در ادامه به زیست‌نامه محمدبن عثمان اشاره و نقش مهم در غیبت صغرا پرداخته می‌شود.

زیست‌نامه محمدبن عثمان العمری

«محمدبن عثمان»، یکی از ارکان چهارگانه وکلا در دوره غیبت صغرا می‌باشد (کشی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۸۱۳). کنیه وی «ابوجعفر» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۴ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۷)؛ و لقب‌های او «سمان» (همان)؛ «عمری» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۴)؛ «اسدی» (حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۴۹)؛ «عسکری» (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۱۰۹) و «کوفی» (برقی، ۱۳۷۱: ص ۲۰) گفته شده



است. همچنین در مورد سال تولد وی گزارشی در تاریخ دیده نمی‌شود. سابقه حضور او در بیت امامان شیعه تا جایی است که وی را از جمله راویان امام عسکری علیه السلام دانسته‌اند که از ایشان نقل روایت داشته است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۰۹).

همچنین در میان آثار عبدالله بن جعفر حمیری، از کتابی با عنوان «مسائل لابی محمد الحسن علیه السلام علی ید محمد بن عثمان العمری» نام برده شده است، که بخش قابل توجهی از آن، به پرسش‌های فقهی از امام عسکری علیه السلام اختصاص دارد که حمیری آن‌ها را با واسطه محمد بن عثمان به امام می‌رسانده و پاسخ‌هایش را دریافت می‌کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۲۲۰). با آن که نجاشی در مورد محمد بن عثمان بحث شناخت رجالی نداشته است؛ اما توثیقات محمد بن عثمان در دیگر کتاب‌های رجالی به اندازه‌ای قابل توجه می‌باشد که در صداقت و بزرگی وی تردیدی باقی نگذاشته است.^۱

محمد بن عثمان، طولانی‌ترین دوره وکالت را در دوره امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الیه بر عهده داشته، در مورد تولد وی گزارشی در منابع ذکر نشده است؛ اما به تصریح بسیاری از مصادر کهن، وی در سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ هجری وفات کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۶). در این صورت و با احتمال رحلت پدرش پیش از سال ۲۶۷ هجری وکالتش حدود چهار دهه به درازا کشیده است (همان، ص ۳۵۳ و جاسم حسین، ۱۳۶۷: ص ۱۵۶). در مورد فرزندانش، تنها از ام کلثوم در تاریخ یاد شده که وی نقشی قابل توجه در دوره وکیل سوم، به خصوص در افشای باورهای نکوهش آمیز شلمغانی داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۴۴۰ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۴ و ۳۶۳). همچنین از همسر ام کلثوم، احمد بن ابراهیم نوبختی به عنوان کارگزار دوره وکیل سوم یاد شده است. احمد و همسرش، ام کلثوم در بغداد حضور داشتند که احمد سمت دبیری حسین بن روح نوبختی را داشته است (همان، ص ۳۷۳). ام کلثوم راوی بسیاری از نقل‌های تاریخی دوره غیبت صغرا بوده است (همان، ص ۲۹۴) که توسط ابی نصر هبة الله به نقل از ام کلثوم در تاریخ ماندگار شده است (همان، ص ۴۰۱). گرچه نجاشی وی را فرزند ام کلثوم دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵:

۱. برای نمونه طوسی در وصف وی چنین گفته است: «العمري، یکنی أباجعفر و أبوه یکنی أباعمر، جمیعا وکیلان منجهة صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الیه، و لهما منزلة جلیلة عند الطائفة» (رک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۴۷).

ص ۴۴۰)؛ شیخ طوسی با نقل چند واسطه وی را از جمله نوادگان دختری ام کثوم می‌داند؛ ولی به نظر می‌رسد با توجه به برخی از نشانه‌ها، از جمله این که راوی مستقیم این گزارش‌ها به واسطه ابی نصر هبة الله ذکر شده است و نیز این که احمد بن نوح تنها از او در این زمینه گزارش آورده است، از دیدگاه شیخ طوسی صحیح می‌باشد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۶).

نقش محمد بن عثمان در غیبت صغرا

محمد بن عثمان پس از وفات پدرش (عثمان بن سعید) به جانشینی وی منصوب شد. برابر روایتی از امام عسکری علیه السلام، وی پیش از رحلت پدرش به عنوان وکیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده بود (همان، ص ۳۵۶). همچنین در توقیعی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این مهم اشاره شده است و او را وکیل و مورد اعتماد خود دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۰). پس از درگذشت پدرش، امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن تسلیت به وی، او را به عنوان جانشین پدرش معرفی کرده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۱۰). همچنین گزارشی از پدر محمد بن عثمان در دست است که فرزندش را به عنوان جانشین خود معرفی کرده است (همان، ص ۴۳۲). محمد شخصاً مراسم دفن و غسل پدرش را به عهده گرفت (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۵۶). در منابع، گزارش خاصی در مورد اداره امور وکالت در دوره پدرش از وی نقل نشده است؛ اما با توجه به برخی از فرموده‌های امام عسکری علیه السلام می‌توان وی را از جمله دستیاران دوران پدرش - عثمان بن سعید - دانست (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۰). در مورد چگونگی ارتباط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و محمد بن عثمان به تناسب بخش‌های گوناگون اشاره خواهد شد.

نقش محمد بن عثمان در پنهان نگه داشت نام و مکان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در تبیین عملکرد محمد بن عثمان با عباسیان تأکید می‌شود که وی همانند پدرش با انتخاب شغل روغن فروشی (سمان) شغلی غیر مهم را انتخاب و سعی کرد حساسیت عباسیان به نهاد وکالت جلب نشود. همچنین محمد بن عثمان با استفاده از راهکار تقیه در این دوران به وظیفه خطیر وکالت حضرت پرداخت.

همچنین وی پس از رساندن توقیعات به شیعیان، در برخی از مواقع توقیعات را از بین می‌برده



است؛ چنان‌که بنا بر گزارش شیخ صدوق، در موردی، محمد بن عثمان، محل دیدار خود را با ابن متیل در یکی از خرابه‌های عباسیه در بغداد تعیین کرد تا توقیع را برایش بخواند و در آن جا نیز پس از قرائت توقیع، آن را از بین برد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۹۸). همچنین به منظور رعایت تقیه، محمد بن عثمان و دیگر وکلای چهارگانه پس از گرفتن وجوهات، هیچ‌گونه رسیدی مبنی بر اخذ وجوهات داده نمی‌شد؛ همانند دیگر وکلا که باید تقیه را مراعات می‌کردند؛ به طوری که شیخ طوسی از قول محمد بن علی اسود چنین نقل کرده است: در اواخر عمر محمد بن عثمان، مقداری از اموال را برایش بردم؛ وی گفت: آن را به حسین بن روح بده؛ من اموال را تحویل دادم و درخواست رسید کردم. حسین بن روح در این مورد (درخواست رسید) به محمد بن عثمان شکایت برد و سفیر دوم نیز دستور داد از حسین بن روح رسید دریافت نکنم (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۷۰). در ادامه، راوی می‌گوید: این قضیه در اواخر عمر وکیل دوم، یعنی زمانی که سفیر دوم مشغول فراهم کردن مقدمات وکالت حسین بن روح بود، اتفاق افتاد، و ظاهراً انتظار حسین بن روح نیز این بوده است که از وی نیز همچون اسلافش رسیدی درخواست نشود.

همه این امور بدان دلیل بوده است تا هیچ اثری از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست دشمنان ایشان قرار نگیرد. به رغم همه این موارد، چنین تحلیل شده است که به علت شکنجه‌های معتضد (۲۸۹ق) و مکتفی (۲۹۵ق) و سختگیری‌های آنان بر امامیه بین سال‌های ۲۷۸ تا ۲۹۵ هجری، امام مقرر خود را از سامرا به حجاز تغییر داد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۴۸)؛ چرا که معتضد عباسی توانست در دوره غیبت صغرا و همزمان با دوران وکالت محمد بن عثمان، مکان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را کشف کند و به چند نفر دستور داد که به خانه پدر امام بیورش ببرند و هر که را یافتند به قتل برسانند؛ اما امام به طرز معجزه آسایی از خطر رهایی یافت (همان). گویا از این زمان تا چند سال بعد بر اساس دستور العمل امام، وکلا از دریافت هرگونه وجوهات خودداری کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۲۵).

دستیاران محمد بن عثمان

به گفته شیخ طوسی، محمد بن عثمان برای اداره امور وکالت از ده دستیار اصلی استفاده می‌کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۹)؛ که گویا در بغداد حضور داشته‌اند؛ گرچه نمی‌توان از



متون کهن گزارش‌های چندانی در خصوص نوع و چگونگی فعالیت ایشان یافت (همان).^۱ در میان این گروه از وکلا، سه وکیل دوران پدرش، حاجز، احمدبن اسحاق و قطان از دیگران شناخته شده‌تر بوده‌اند؛ در عین حال، باید توجه داشت که نمی‌توان همزمانی این دسته از وکلا را در دوران محمدبن عثمان در یک زمان دانست و تردیدی نیست که برخی از این افراد در دوره وی وفات کرده‌اند. به هرصورت، شاید عدد ده ذکر شده در گزارش‌ها نشان از کثرت دستیاران اصلی محمدبن عثمان در مقایسه با دستیاران پدرش در آن دوران باشد. از جمله مهم‌ترین این افراد می‌توان به نامبردگان ذیل اشاره داشت:

محمدبن جعفر اسدی رازی: وی یکی از دستیاران محمدبن عثمان بود که در ناحیه بغداد فعالیت داشت (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۰۲). به باور برخی از محققان، وی پس از وفات حاجزبن یزید و شاء به وکالت در ناحیه بغداد انتخاب شد (حسین، ۱۳۶۷: ص ۱۷۱). رازی یکی از روایان امامیه می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۰۱) که در دوره غیبت صغرا سؤالات فراوانی به واسطه محمدبن عثمان از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام داشته است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۰۲). از تاریخ تولد و وفات وی همچنین چگونگی انتخابش در امر وکالت اطلاعی در دست نیست.

ابوعلی، اسکافی (۲۵۸ - ۳۳۶): وی یکی دیگر از وکلای نزدیک به محمدبن عثمان بوده و گفته شده از جمله ده دستیار اصلی وکیل دوم بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۹). همچنین اسکافی از جمله سلسله روایان کتاب‌های روایی شیعه می‌باشد (همان، ص ۱۳۵ و ۴۱۰). به گفته برخی از منابع، وی به دعای امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام به دنیا آمد (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۷۹)؛ که در این صورت، اسکافی دوران حضور را هر چند به مقدار اندک درک کرده است.^۲ اسکافی در زمان زندانی شدن حسین بن روح نوبختی، نقش بسیار فعالی در سازمان وکالت بر عهده داشته تا جایی که برخی بر این باورند او جانشین وکیل سوم در دوران حبس بوده است (طوسی، ۱۴۱۱:

۱. طوسی به نقل یکی از اصحاب این چنین نقل می‌کند: «كُلُّهُمْ كَانُوا أَحْصَ بِهِ مِنْ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ حَتَّى إِنَّهُ كَانَ إِذَا احتَاجَ إِلَى حَاجَةٍ أَوْ إِلَى سَبَبٍ يُنَجِّزُهُ عَلَى يَدِ غَيْرِهِ لِمَا لَمْ يَكُنْ لَهُ تِلْكَ الْخُصُوصِيَّةُ فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ مُضِيِّ أَبِي جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَقَعَ الإِخْتِيَارُ عَلَيْهِ وَكَانَتِ الْوَصِيَّةُ إِلَيْهِ».

۲. نجاشی تاریخ کامل تولد و وفات وی را ذکر کرده است. وی تولد اسکافی را در سال ۲۵۸ هجری می‌داند که در این صورت، اسکافی دو سال از دوران حضور را درک کرده است (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۷۹).



ص ۴۱۰). در وکالتش تردیدی نیست و او را از بزرگان امامی در دوره غیبت صغرا دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ح ۳۰، ص ۴۵۴)؛ که دستیار وکیل دوم و سوم بوده است. شیخ طوسی نقل می‌کند در جریان حبس حسین بن روح، اسکافی توقیع لعن بر شلمغانی را به دستور وکیل سوم فاش کرد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۰۷) و با توجه به زمان رحلتش که پس از غیبت صغرا بوده، این احتمال داده شده که وی از نزدیکان وکیل چهارم نیز بوده است. همچنین آثاری به وی منتسب است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۷۹).

احمدبن متیل و جعفر بن احمد بن متیل قمی (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۹): از تاریخ تولد و وفات پدر و پسر خبری در گزارش‌های تاریخی یافت نشده است. هر دو، در جریان وفات محمد بن عثمان، از جمله کسانی بودند که بر محضر وی حضور داشتند (همان، ص ۳۶۹-۳۷۰). این مطلب نیز مهم است که نام پسر، یعنی جعفر بن احمد به مراتب بیش از پدر در مصادر روایی نقل شده است (همان، ص ۳۲۱-۳۷۰). چه بسا این امر از برتری جایگاه پسر بر پدر خبر می‌دهد. همچنین با توجه به نقل شیخ طوسی، هر دو از دستیاران وکیل دوم و سوم بوده‌اند (همان، ص ۳۲۱). نکته اساسی زندگی ایشان، آن است که گویا آن مقدار در نهاد وکالت رفعت مقام داشته‌اند، که دیگر وکلا احتمال می‌دادند در صورت وفات محمد بن عثمان یکی از آن دو، جانشین وکیل دوم شود (همان، ص ۳۶۹)؛ به طوری که به تصریح برخی از منابع، جعفر بن محمد در دوره وکیل دوم و سوم، به صورت محدود تصرف در برخی از امور را اجازه داشته است (همان)؛ و به رغم این گزارش‌ها خبر معتابیهی در مورد ایشان در تاریخ ثبت نشده است.

ابومحمد حسن بن علی وجناء نصیبی: وی نیز یکی از افرادی دانسته شده که بر بالین وکیل دوم حاضر بوده، و شیخ صدوق وی را در زمره وکلا دانسته است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۴۲). همچنین نقل شده نصیبی از جمله افراد معدودی بوده که توانسته است در دوره غیبت صغرا با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دیداری داشته باشد (همان، ص ۴۴۳). گرچه او پیش از این در دوره حضور نیز امام را دیده است (همان، ص ۴۷۳). به هر صورت، از زمان تولد و وفات وی خبری وارد نشده است.

ابوسهل نوبختی: وی را نیز از جمله کسانی می‌دانند که بر بالین محمد بن عثمان حاضر بوده و به همین دلیل، این گمان که او نیز از جمله وکلای آن دوره بوده است، تقویت می‌شود (طوسی،

۱۴۱۱: (ص ۳۷۱). وی را از جمله بزرگان امامیه در دوره غیبت صغرا دانسته‌اند. ابوسهل نوبختی از متکلمان برجسته شیعه در این دوره است که نجاشی او را شیخ المتکلمین در میان امامیه و غیر امامیه خوانده است. همچنین وی را صاحب جلالت در دین و دنیا می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۱). شیخ طوسی نیز او را بزرگ خاندان نوبختی دانسته است (طوسی، ۱۴۲۲: ص ۳۱). در مورد پدر وی اطلاع چندانی در دست نیست. ابوسهل در سال ۲۳۷ هجری، در دوران حیات امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام زاده شد. وی هنگام رحلت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام ۲۳ سال داشته است؛ در عین حال، از روابط وی با دو امام هادی و امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام اطلاع چندانی در دست نیست. تنها از وی نقل شده که در هنگام شهادت امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام بر بالین آن حضرت حاضر بوده و توانسته است با امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دیداری داشته باشد (همان: ص ۲۷۲). این روایت از آن جا که وی را در شمار معدود کسانی که امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را مشاهده کرده‌اند، قرار می‌دهد؛ مهم می‌باشد. وی ریاست شیعیان بغداد را بر عهده داشت (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ص ۲۲۵) و از دستیاران نزدیک وکیل دوم بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۷۱). همچنین نقل شده به اندازه‌ای در دستگاه وکالت رفعت مقام داشته است که دیگران وی را نامزد مقام نیابت می‌دانستند؛ به طوری که شیخ طوسی قضیه‌ای را از او در این زمینه نقل کرده است (همان، ص ۳۹۱). نیز گفته شده است که ابوسهل در منزل خود مجالس علمی برپا می‌کرده که برخی از اندیشمندان علم کلام در آن شرکت می‌کردند (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ص ۲۳۵). این مطلب گویای جایگاه والای ابوسهل در میان متکلمان اسلامی است؛ به طوری که خانه وی به منزله مدرسه‌ای کلامی بوده که در آن جا متکلمان به تبادل آرا و اندیشه‌های خود می‌پرداختند.

همچنین در منابع کهن، از برخورد ابوسهل با شلمغانی یاد شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۱-۴۷۲). با توجه به این نکته که بیش‌ترین فعالیت شلمغانی پس از وفات ابوسهل بوده (همان: ص ۴۰۳-۴۱۰) و البته تنها ابن ندیم از این برخورد گزارش داده است؛ به نظر می‌رسد وی در نقل حکایت شلمغانی دچار اشتباه شده و این گزارش را با خبر مربوط به حلاج خلط کرده است. ابن ندیم در مجموع، بیست کتاب از آثار ابوسهل را نام می‌برد و شیخ طوسی نوزده اثر را از وی نام می‌برد و دوازده اثر را از قول ابن ندیم بر آن می‌افزاید و این، نشان دهنده این مطلب است که شیخ طوسی از طریقی غیر از کتاب الفهرست ابن ندیم (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ص ۲۷۳)؛ به نام آثار



ابو سهل دسترسی داشته است (طوسی، ۱۴۲۲: ص ۳۲-۳۳). در هر صورت، شیخ طوسی ۳۱ کتاب از تألیفات ابوسهل را نام برده است. نجاشی نیز ۲۳ اثر از ابوسهل را ذکر می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۱). از دیگر وکلای دوره محمد بن عثمان می‌توان به محمد بن علی اسود اشاره داشت. در برخی گزارش‌ها چنین آمده است که وی اموالی را از وکیل دوم به وکیل سوم تحویل می‌داده و این، گویای نزدیک بودن وی به نهاد وکالت می‌باشد و حتی براساس گزارش دیگری، محمد بن عثمان وی را از درگذشت زود هنگام خویش آگاه کرده بود (طوسی، ۱۴۲۲: ص ۳۶۵). همچنین برابر گزارش وی، پدر شیخ صدوق از او خواسته بود تا به وسیله وکیل سوم از امام در خواست فرزندى داشته باشد و در نقل دیگری ارتباط اسود با محمد بن عباس قمی (از عالمان شهر) چنین بر می‌آید که گویا وی حلقه وصل میان وکیل دوم و سوم با وکلای ناحیه قم بوده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۶۸-۲۶۹). صدوق خود نیز از او خاطراتی نقل می‌کند که گویا این خاطرات در دوره غیبت صغرا رخ داده بود (همان، ص ۵۰۳). از دیگر وکلای دوره محمد بن عثمان می‌توان به افرادی همچون محمد بن ابراهیم مهزیار (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۱۷)؛ محمد بن عبدالله حائری (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۰۴)؛ حسن بن محمد قطان صیدلانی (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۹)؛ محمد بن فضل موصلی (طوسی، ۱۴۲۲: ص ۳۱۵) و ابوالقاسم حسن بن احمد اشاره داشت که در هر صورت، از این افراد، خبر آن چنانی در تاریخ ذکر نشده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۲۵۳).

نقش محمد بن عثمان در مقابله با فرقه‌های انحرافی، وکیلان منحرف و مدعیان وکالت

در بیان عملکرد محمد بن عثمان در برخورد با طرفداران جعفر، توقیعی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط وی نقل شده است که این توقیع در میان شیعیان انتشار یافت و همین امر سبب شد تا امامی مذهب‌بان بیش‌تر از جعفر روی‌گردان شوند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹۰). همچنین ویژگی دیگر وی در دوره وکالتش فعالیت او علیه مدعیان وکالت بوده است؛ از جمله این موارد احمد بن هلال کرخی عبرتایی^۱ بوده است. منابع، تولد وی را در سال ۱۸۰ هجری و وفات هلالی را در سال

۱. عبرتاروستایی از نواحی بغداد و نهروان بوده است (رک: یاقوت حمیری، معجم البلدان، ۱۴۱۸: ج ۴ ص ۴۹۹).

۲۶۷ هجری می‌دانند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۸۳). همچنین اشاره شده که وی بیش از ۵۴ بار سفر به حج داشته که بیست بار آن پیاده بوده است (کشی، ۱۴۰۹: ص ۵۳۵). به تصریح شیخ طوسی، وی در زمره وکیلان بوده و از یاران امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام شمرده می‌شده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۹). وی پس از مدتی در مسیر انحرافی از باورهای امامیه گام برداشت. صدوق (۳۸۱ هجری) چنین می‌اندیشید که وی از جمله افرادی با گرایش‌های نکوهش‌آمیز ناصبی بوده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۷۶). طبرسی (۵۷۶ هجری) تأکید داشت که وی گرایش‌های غالیانه داشته است (طبرسی، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۴۷۴).

هلالی در ابتدای غیبت صغرا وکالت عثمان بن سعید را پذیرفت؛ به طوری که خود به آن تصریح دارد و در عین حال، وکالت فرزندش محمد بن عثمان را نپذیرفت و در این زمینه چنین استدلال می‌کرد که چیزی در مورد وکالت محمد بن عثمان نشنیده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۹). در هر صورت همین امر موجب شد که از سوی شیعیان امامی طرد شود، همچنین در مورد وی توقیع لعنی نیز صادر گردد. انگیزه انحراف وی به درستی در منابع تبیین نشده است، تنها در توقیعی که علیه وی وارد شده، هلالی را به دلیل تصرف در اموال مورد نکوش قرار داده است (کامیاب و عرفان، ۱۳۹۳: ص ۱۳۷-۱۶۲).

با توجه به متن توقیع وارد شده در مورد وی و برخی دیگر از متخلفان از نهاد وکالت، چنین به نظر می‌رسد، بسیاری از شیعیان امامی به واسطه آن که وی چهره‌ای موجه از خویش ساخته بود، هنوز در تردید به سر می‌بردند. به همین دلیل بار دیگر از ناحیه مقدسه احوال وی مورد سؤال قرار می‌گیرد. گویا پذیرش این که وی با آن سابقه قابل تمجید در عبادت از خط امامت فاصله گرفته باشد، برای بسیاری از ایشان دشوار بوده است.^۱ در این میان، محمد بن عثمان که از طرفی واسطه میان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و شیعیان در این زمان بوده است و از طرف دیگر که احتمال داده می‌شود وی در انتقال این دست از توقیعات نقش داشته باشد؛ در آشکار کردن چهره واقعی ابن هلال تاثیر بسزایی داشته است. همچنین منابع در مورد انحراف ابن هلال، دست کم دو گرایش نکوهش‌آمیز به وی نسبت داده‌اند، و برخی دیگر از منابع، وی را از جمله

۱. «اِحْدَرُو الصُّوفِيَّ الْمُتَصَيِّعَ» (رک: کشی، رجال، ۱۴۰۹: ص ۵۳۵).



نواصب دانسته و برخی دیگر نیز او را از غالیان بر شمرده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۷۶). شخصیت دیگری که در این دوره، از جمع باورمندان به نهاد وکالت فاصله گرفت، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، معروف به «بلالی» بوده است. برابر آنچه شیخ طوسی نقل کرده، وی از جمله یاران و وکیلان اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۰۰). شیخ طوسی وی را در آن دوره ثقه دانسته است (طوسی، ۱۳۷۳: ص ۴۰۱)؛ به طوری که مورد تمجید امام نیز قرار گرفته بود (همان، ص ۵۷۹). گرچه در برخی از موارد، به سبب برخی از رفتارهای خویش، امام عسکری علیه السلام، او را مورد توبیخ قرار داده بودند (همان، ص ۳۵). وی در ابتدای غیبت صغرا با نهاد وکالت همراه بود؛ به طوری که نقل شده است، حسین بن روح که در آن دوره هنوز به وکالت نرسیده بود، برای فهم بهتر برخی از باورهای اعتقادی به وی مراجعه می‌کرده است (همان، ص ۳۸۷). در هر صورت، در ادامه از مسیر وکالت فاصله گرفت، گویا انحراف مالی تنها مشکل وی نبوده است.

براساس یکی از گزارش‌ها، در جلسه گروه هواداران ابن بلال، ناگاه، نایب دوم حضور می‌یابد و میان ابن بلال و محمد بن عثمان گفت‌وگویی رخ می‌دهد، که حاکی از دیدار بلالی با امام مهدی علیه السلام و دستور امام به وی در لزوم تبعیت از وکیل دوم بوده است (همان، ص ۴۰۱). گویا وکیل دوم به هرصورت، در صدد رفع این دسته از مشکلات برآمده بوده و سعی داشته است این دسته از افراد اثر گذار را مجدداً به شیعیان امامی باز گرداند.

اما دسته‌ای دیگر از افراد بوده‌اند که به هر دلیل سعی داشته‌اند خود را در زمره وکیلان مطرح کنند و همین امر سبب شد مشکلات فراوانی برای امامیه، به خصوص برای وکیلان راستین ایجاد شود؛ از جمله می‌توان به این افراد اشاره کرد:

ابومحمد (حسن) شریعی: وی به تصریح شیخ طوسی، از جمله افرادی بود که از اصحاب امام دهم و یازدهم علیه السلام شمرده می‌شد؛ اما در دوره غیبت صغرا از نخستین کسانی بود که ادعای وکالت کرد که به گفته شیخ طوسی اهلیتی برای چنین مقامی نداشت و خدا وی را برای چنین امری انتخاب نکرده بود (همان، ص ۳۹۷). به نظر می‌رسد وی دست کم در دوران غیبت صغرا در جایگاه وکالت قرار نگرفته بود؛ از این رو، در این زمینه ادعای دروغین وکالت کرد.

شیخ طوسی در ادامه وی را فردی می‌داند که به امامان شیعی دورغ می‌بست و گرایش‌های



غالیانه داشته و به همین دلیل نیز شیعیان از وی دوری می‌جستند. همچنین توقیع لعنی از سوی ناحیه مقدسه علیه وی صادر شد (همان).

برخی بر این باورند که گویا میان غالیان دوره امامان دهم و یازدهم با مدعیان وکالت در دوره غیبت صغرا ارتباط بوده است و این دو گروه، یکدیگر را یاری می‌کردند. آنچه در مورد ابن حسکه گفتنی است وی را نخستین کسی می‌دانند که در میان شیعیان ادعای وکالت کرد.^۱

از دیگر شخصیت‌های مهم و اثرگذار آن دوره می‌توان به محمدبن نصیر نمیری (۲۷۰ق) اشاره داشت، بسیاری از منابع، وی را به غلو متهم کرده و او را از جمله معارضان محمدبن عثمان بر شمرده‌اند (اشعری، ۱۳۶۰: ص ۱۰۰)؛ گرچه برخی از همین منابع به دانشمند بودن وی نیز اشاره دارند (ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ص ۹۹). برخی دیگر از منابع نیز وی را در ابتدا در زمره اصحاب امام هادی ع دانسته‌اند، که البته وی پس از مدتی با طرح باورهای غالیانه نسبت به امام، اسباب نارضایتی آن حضرت را فراهم کرد. گفته شده است که محمدبن نصیر، ربوبیت امام را طرح کرده بود و خویش را نیز پیامبری از ناحیه ایشان می‌دانست (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۸). برابر نقلی قابل تامل وی در امور شخصی به اباحه‌گری تمایل داشت (اشعری، ۱۳۶۰: ص ۲۲-۱۰۰).

در هر صورت، از جمله کسانی که به ادعای نیابت وی اشاره داشته‌اند، شیخ طوسی (۴۶۰هجری) است. شیخ طوسی تأکید دارد که محمدبن نصیر (۲۷۰هجری) با انکار وکالت محمد بن عثمان (۳۰۴هجری) در تثبیت وکالت خود تلاش داشته است، که البته با انکار وکیل دوم و جامعه امامیه مواجه شده است. همچنین براساس گزارش دیگری، محمدبن عثمان، وی را که قصد داشت از وکیل دوم دلجویی کند، به منزلش راه نداد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۸)؛ و سرانجام نیز با صدور توقیعی مورد لعن امام دوازدهم ع قرار گرفت.^۲

در بسیاری از افراد مدعی وکالت یا وکیلان دروغین، روش محمدبن عثمان برخورد مستقیم

۱. به طور عمده منابع رجالی به گرایش‌های غالیانه ایشان توجه داشته‌اند، برای نمونه، «عَلَيْهِ بُنُ حَسَكَةَ الْخَوَارِ كَانَ أَشَدَّ الْقَاسِمِ الشَّعْرَانِيَّ الْبَيْطِينِيَّ مِنَ الْغَلَاةِ الْكِبَارِ مَلْعُونٌ» (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹: ص ۸۰۳).

۲. این نکته باید توجه شود که صدور این توقیع در دوره وکیل سوم بوده است، که گویا در این زمان، محمد بن نصیر نمیری از دنیا رفته بود، و با توجه به آن که بعد از وی همچنان جریان منتسب به او فعالیت می‌کرد، در ضمن توقیع شلمغانی، نام وی و چند نفر دیگر از هم فکرائش آمده است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۹۹).



نبوده است و همان‌طور که بیان شد، بیش‌تر با استفاده از جایگاه خاصی که در میان امامیه داشته، با بهره بردن از توقیعات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با این دسته از مدعیان برخورد می‌کرده است.

نتیجه‌گیری

محمدبن عثمان، دومین وکیل از وکیلان اصلی دوره غیبت صغرا می‌باشد که طولانی‌ترین، دوران وکالت را در غیبت صغرا به عهده داشته است. وی در این مدت، با استفاده از راهکار تقیه توانست به سازمان وکالت توجه ویژه داشته باشد. محمدبن عثمان با انتقال توقیعات از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیعیان و تبیین محتوای آن‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی امامیه، به میزان بسیاری از تنش‌های امامیه کاسته، وی در این راه ارتباط فراوانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته است و امور انجام شده توسط وی، به دستور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای وی را می‌توان در سامان دادن به نهاد وکالت دانست که به دستور امام، افزون بر نصب وکیلان شایسته، با مدعیان وکالت و وکیلان دروغین نیز برخورد داشته است. همچنین در معرفی حسین بن روح نوبختی نیز دارای نقشی تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که وکالت حسین با اشکال تراشی کسی مواجهه نشد؛ اما مهم‌ترین رفتار محمدبن عثمان در دوران طولانی وکالت صیانت از مکان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است که به رغم اقدامات ستیزه جویانه عباسیان، امام از دسترس و گزند ایشان دور ماند.



منابع

۱. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۶۵). *الکامل فی التاریخ*، دارصادر، بیروت.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۱۵ق). *شرح العقیده الاصفهانیة*، محقق: ابراهیم سعیدای، ریاض، مکتبه الرشد.
۳. ابن داود حلّی، حسن بن علی (۱۳۴۲). *الرجال (ابن داود)*، تهران، دانشگاه تهران.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دار المرتضویة.
۵. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق (۱۳۵۰). *الفهرست*، مصحح: رضا تجدد، انتشارات اساطیر، تهران.
۶. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). *المقالات والفرق*، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). *رجال البرقی - الطبقات*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البتین عنا الله وعلیهم.
۹. حلّی علامه، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلّی*، نجف اشرف، دار الذخائر.
۱۰. رواندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق). *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدی عنا الله وعلیهم.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال‌الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامیه.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۱). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، مرتضوی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۲ق). *الفهرست*، قم، نشر الفهاه.
۱۴. _____ (۱۴۱۱ق). *کتاب الغیبة للحجة*، قم، دارالمعارف الإسلامیة.
۱۵. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *إختیار معرفة الرجال کشی*، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۸. مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۸۶). *مکتب در فرآیند تکامل*، مترجم: هاشم ایزد پناه، تهران، انتشارات کویر.
۱۹. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق). *فرق الشیعة*، بیروت، دارالأضواء.
۲۲. واسطی بغدادی، احمد بن حسین (۱۳۶۴). *رجال (لابن الغضائری)*، مصحح: محمدرضا حسینی، قم، دارالحديث.
۲۳. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.

